



واکاوی تقابل دو رویکرد تکریم و تحقیر زن در کتب تفسیری تسنیم و مفاتیح الغیب

سیدحسین علیاناسب^۱، محمد مهدوی^۲، مریم عطری خطیبی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی دو رویکرد تکریم و تحقیر زن در کتب تفسیری تسنیم و مفاتیح الغیب انجام شد و به این سؤال که کدام رویکرد تفسیری با مراد قرآن در منزلت زن انطباق بیشتری دارد، پاسخ داد. براین اساس با این پیش فرض که برخی خوانش ها از متون دینی در سمت وسو دادن به تلقی های بدبینانه از اسلام در مورد زنان مؤثر است، دیدگاه های تفسیری فخر رازی در تفسیر مفاتیح الغیب و دیدگاه های آیت الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم در محورهای شخصیت، حقوق خانوادگی، حقوق اجتماعی و حقوق مالی زن به روش تحلیلی- اسنادی با رویکرد تطبیقی بررسی شد. یافته های پژوهش نشان داد که مشی فقهی و کلامی، روش بهره گیری از روایات و تحولات عصر این دو مفسر در شکل گیری نگرش آنها و تفسیر آیات مرتبط با منزلت زنان مؤثر بوده است و نگرش تحقیرآمیز فخر رازی به زن، نه فقط نظر اسلام نیست بلکه مورد نقد آیت الله جوادی آملی قرار گرفته است و اندیشمندان متعددی از اهل سنت نیز آن را به چالش کشیده اند.

واژگان کلیدی: منزلت زن در کتب تفسیری، تکریم زن در کتب تفسیری،

تحقیر زن در کتب تفسیری، قرآن کریم، فخر رازی، جوادی آملی.

DOI: 10.22034/IJWF.2024.18441.2256

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۳

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: olyanasab@tabrizu.ac.ir

0000-0002-5847-4220

۲. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

Email: mo.madavi@tabrizu.ac.ir

0000-0002-6644-1082

۳. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

Email: maryamatri55121@gmail.com

0009-0004-3332-9889

A Study on the Contrast of Two Approaches of Honoring and Despising Women in the Interpretive Books of Tasnim and Mafatih al-Ghaib

Seyed Hussein Olyanasab¹, Mohammad Mahdavi ², Maryam Atri Khatibi³

This research aimed to examine two approaches of honoring and despising women in the interpretive books of Tasnim and Mafatih al-Ghaib, and to answer the question of which interpretive approach is more consistent with the intention of Quran regarding the status of women; thus, with the assumption that some readings of religious texts are effective in leading to pessimistic perceptions of Islam regarding women, the interpretive views of Fakhr Razi in the interpretation of Mafatih al-Ghaib and the views of Ayatollah Javadi Amoli in the interpretation of Tasnim were examined using a comparative analytical-documentary method in the areas of personality, family rights, social rights, and financial rights of women. The findings of the research showed that the jurisprudential and theological approach, the method of utilizing the narratives, and the changes of the era of these two commentators were effective on shaping their attitude and interpreting the verses related to the status of women, and that Fakhr Razi's derogatory attitude toward women is not only not the opinion of Islam, but has also been criticized by Ayatollah Javadi Amoli, and numerous Sunni scholars have also challenged it.

Keywords: status of women in interpretive books, honoring women in interpretive books, despising women in interpretive books, the Holy Quran, Fakhr Razi, Javadi Amoli.

DOI: 10.22034/IJWF.2024.18441.2256

Paper Type: Research

Data Received: 2024/04/22

Data Revised: 2024/09/01

Data Accepted: 2024/09/03

1. Associate Professor, Department of Islamic Knowledge, Faculty of Theology and Islamic Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.(Corresponding Author)

Email: olyanasab@tabrizu.ac.ir

 0000-0002-5847-4220

2. Associate Professor, Department of Islamic Knowledge, Faculty of Theology and Islamic Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Email: mo.mahdavi@tabrizu.ac.ir

 0000-0002-6644-1082

3. M.A. in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Email: maryamatri55121@gmail.com

 0009-0004-3332-9889

قرآن کریم و متون دینی با قطع نظر از هویت جنسیتی افراد همیشه از مقام خلیفه الهی و کرامت ذاتی انسان سخن گفته است و در توصیف کمالات مردان و زنان، مراعات حقوق، منزلت، کرامت و جایگاه رفیعی که نظام هستی برای زن و مرد در نظر گرفته است عدالت بین دو جنس را رعایت کرده‌اند. باوجود چنین مواضع صریحی، عده‌ای دین اسلام را به مردسالاری و زن‌ستیزی متهم کرده و چنین برداشتی را به آیات قرآن و متون دینی نسبت داده‌اند. برخی از این مدعیان با نگرش‌های متفاوت تاریخی، جامعه‌شناختی یا روان‌شناختی به مقوله جنسیت، مردسالاری را ترویج می‌کنند. برخی دیگر، زعامت زنان و برخی نیز یکسان‌سازی احکام و حقوق مردان و زنان را مطالبه می‌کنند. ظهور و بروز شخصیت زن در جایگاه واقعی خود و توانمندسازی او در انجام رسالت‌های الهی و تکالیف سنگین انسانی، خانوادگی و اجتماعی، مستلزم رفع موانع فکری و اعتقادی با نقد عالمانه این‌گونه سطحی‌نگری‌هاست که وجه مشترک آنها پیش‌داوری درباره نظر اسلام است. در پژوهش حاضر با این پیش‌فرض که برخی تفاسیر و خوانش‌ها از متون دینی در جهت‌دهی به چنین تلقی‌های بدبینانه از اسلام نقش دارند، دو خوانش متفاوت از قرآن کریم درباره منزلت زن مقایسه شد. همچنین این موضوع که فرضیه تحقیر زن مطابق دیدگاه قرآن نیست، بلکه نظر برخی از مفسران است و باید این دیدگاه‌ها با تفاسیر مخالف خود تطبیق داده و به چالش کشیده شوند، بررسی شد. براین اساس، دیدگاه‌های تفسیری فخر رازی در تفسیر مفاتیح‌الغیب و دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم در محورهای شخصیت، حقوق خانوادگی، حقوق اجتماعی و حقوق مالی زن بررسی شد.

یکی از رویکردهای غالب تفسیر مقارن یا تطبیقی که در پژوهش حاضر آمده این است که پژوهشگر، آرای چند مفسر و روش آنها درباره آیات مرتبط با موضوعی را مطالعه کرده، سپس با مقایسه و عرضه دیدگاه آنها بر معیارهای درست، بهترین تفسیر را برمی‌گزیند. (الخالدی، ۱۴۲۲ه.ق) در پژوهش حاضر بدین دلیل کتب تفسیری فخر رازی و آیت‌الله جوادی آملی برای مقایسه تطبیقی انتخاب شد که هر دو مفسر از افراد شاخص دو مذهب اسلام یعنی اهل سنت و شیعه هستند و در موضوعات اجتماعی به‌ویژه مسائل مرتبط با منزلت

زنان تلاش‌های علمی قابل توجهی داشته‌اند. تفسیر فخر رازی از منابع مهم تفسیری با رویکرد عقلی است که به دلیل توانایی و مهارت مفسر در علوم گوناگون و با جوانب مختلف، آیات قرآن را بررسی نموده و مسائل مختلف اصول، فلسفه، کلام و مسائل اجتهاد نظری و عقلی را مورد توجه قرار داده است، اما انبوهی از ابهامات و تشکیک‌ها برجا گذاشته است (معرفت، ۱۳۸۸). تفسیر تسنیم نیز به دلیل بهره‌گیری مفسر از منابع تفسیری و روایی جامع حتی منابع غیر شیعی، جایگاه رفیعی دارد.

تنوع مکاتب فکری و چالش‌های فرهنگی در دوره نگارش تفسیر تسنیم در کنار جامعیت علمی، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی آیت الله جوادی آملی سبب شده است ایشان مباحث کاربردی روز، کلام جدید و چالش‌های اجتماعی و سیاسی متعددی را در تفسیر قرآن در نظر بگیرد. منزلت زن که در همه اعصار مورد توجه اندیشمندان علوم مختلف بوده و امروزه محافل علمی و دینی را به چالش فرامی‌خواند در هر دو تفسیر فوق به طور تفصیلی بررسی شده و نظرات فخر رازی و تفاسیر همسو با آن، مستمسک کسانی شده است که اسلام را به مردسالاری و زن‌ستیزی متهم می‌کنند. مقایسه دیدگاه دو مفسر نام برده، قرائت‌ها و خوانش‌های متعدد از دین را کنار هم قرار داده و از اینکه قرائت و نگرش اندیشمندی جایگزین متون اصلی دینی شود، جلوگیری می‌کند.

۲. چارچوب نظری پژوهش

اولین مطالعات معاصر درباره منزلت زن مقالات شهید مطهری در سال‌های ۱۳۴۵ - ۱۳۴۶ است که در سال ۱۳۵۳ در قالب کتاب نظام حقوق زن در اسلام چاپ شد. آثار قرآنی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر، کتاب زن مظهر خلاقیت الله (همایونی، ۱۳۷۷) است که با معرفی زنان الگو در قرآن، رویکردهای تحقیرآمیز نسبت به مقام زن را نقد کرده است. مقاله گذری بر جایگاه زن در قرآن کریم (پاکاری، ۱۳۹۹) نیز رویکرد مشابهی دارد. شکرپیگی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان بررسی جایگاه و منزلت زن در قرآن، بر اهمیت حقوق انسانی زن و لزوم احترام به او تأکید کرده است. حسینی (۱۳۸۹) نویسنده کتاب منزلت و حقوق زن، قرآن را احیاکننده حقوق زنان می‌داند. انصاری (۱۳۹۲) در کتاب زن از منظر قرآن با بررسی بیش از سیصد آیه،

یکسان بودن زمینه‌های هدایت زنان و مردان در قرآن کریم مورد بررسی و توجه قرار گرفته است. جامع‌ترین کتاب مرتبط با موضوع پژوهش حاضر، کتاب زن در آئینه جلال و جمال (جوادی آملی، ۱۳۸۳) است که ابعاد متعددی از منزلت زن را بررسی نموده است.

درباره نگرش فخر رازی، مطالعات قابل توجهی انجام نشده است. مطالعات تطبیقی تفسیری مرتبط با موضوع بررسی آرای فخر رازی را می‌توان در پایان‌نامه‌ای با عنوان بررسی آیات حقوق زن در تفاسیر مفاتیح‌الغیب و المنار (توانا، ۱۳۹۳) و مقاله‌ای با عنوان ملاک فضیلت و ارزشمندی زن از منظر علامه طباطبایی و فخر رازی (فلاحی قمی و عزیزاده، ۱۳۹۷) یافت. وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین این است که در پژوهش حاضر، دیدگاه تفسیری فخر رازی با دیدگاه تفسیری آیت‌الله جوادی آملی که یکی از اعظم عالمان معاصر شیعه و جامع علوم معقول و منقول است و نظرات بدیعی درباره منزلت زنان دارد، مقایسه شده است تا با برجسته‌سازی وجوه تمایز دیدگاه این دو مفسر در مجامع علمی به زدوده شدن اتهام زن‌ستیزی از اسلام کمک کند.

۱-۲. ابعاد منزلت زن در قرآن از منظر فخر رازی و آیت‌الله جوادی آملی

آیات فراوانی وظایف متقابل خانوادگی، احکام، تکالیف و حقوق زنان را بیان کرده‌اند. فخر رازی و آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر این آیات رویکرد متفاوتی دارند که برآیند آن، تحقیر زن توسط فخر رازی و تکریم وی توسط آیت‌الله جوادی است. تطبیق این دیدگاه‌های تفسیری در چهار بعد مرتبط با شخصیت، حقوق خانوادگی، حقوق اجتماعی و حقوق اقتصادی زنان دسته‌بندی شده و برای هرکدام نمونه‌هایی بیان شده است.

۱-۱-۲. شخصیت زن در قرآن از منظر فخر رازی و آیت‌الله جوادی آملی

اول، تحقیر و تکریم زن در کیفیت خلقت

از جمله مناقشات تفسیری مرتبط با منزلت زنان، آیات دال بر خلقت انسان هاست. فخر رازی با استناد به آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (نساء: ۱) استقلال زن در خلقت را نفی کرده و او را طفیلی مرد می‌داند. وی عبارت «نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» را بر خلقت حضرت آدم و «خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» را بر خلقت حوا تطبیق داده و در تفسیر آیه، دیدگاهی را تقویت کرده که معتقد است آدم عليه السلام پس از آفریده شدن خوابش گرفت و

درحالی‌که او خواب بود خداوند حوا را از یک جزء او خلق کرد. وی برای اثبات ادعایش به حدیث منسوب به پیامبر ﷺ استناد کرده است بدین مضمون که زن از دنده چپ مرد خلق شده است (ر.ک... بخاری، ۱۳۸۲/۴، ۵۸۷). به نظر فخر رازی لازمه استقلال خلقت زن این است که مردم از دو نفس خلق شده باشند نه از یک نفس. وی برای همسوسازی عبارت «مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» با دیدگاه خود می‌گوید: «عبارت مِنْ، برای بیان ابتدای غایت است؛، یعنی چون آغاز خلقت با آدم بود همه انسان‌هایی که از او به وجود آمده‌اند در واقع از یک نفس آفریده شده‌اند». وی سپس به روایتی از ابن عباس تمسک می‌جوید که مدعی است خداوند حضرت آدم را بدین دلیل آدم نامید که او را از پهنه زمین آفرید و حوا هم بدین دلیل که از دنده آدم و در واقع از شیء زنده آفریده شد به حوا موسوم شد. (رازی، ۱۴۲۰هـ.ق، ۹/۴۷۸)

وی در تفسیر آیه شریفه «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» نیز بر همین دیدگاه اصرار کرده و می‌گوید: «اگر خلقت زن و مرد مستقل و از دو جنس بود آنها با همدیگر به آرامش نمی‌رسیدند و به یکدیگر میل قلبی نداشتند». (رازی، ۱۴۲۰هـ.ق، ۹۱/۲۵) آیت الله جوادی آملی آدم و حوا را در کیفیت خلقت مشترک می‌داند و معتقد است جسم و روح مرد و زن از یک جنس آفریده شده و هیچ‌کدام از آنها بر دیگری برتری تکوینی ندارد. از نظر ایشان، حرف «مِنْ» در «مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» همانند عبارت «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» «مِنْ» نشویه است که بر ابتدای غایت و منشأ و مبدأ پیدایش امری دلالت می‌کند. بدین ترتیب خداوند ابتدا حضرت آدم را از یک حقیقت پدید آورد، سپس از همان حقیقت، حوا را آفرید. پس روح و جسم آدم و همسرش از همان ابتدا هم‌سنخ یکدیگر شکل گرفت؛ بدین ترتیب که بخشی از یک طین خاص، وجود آدم را شکل داد و بخش دیگرش وجود حوا را. وی «وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» را نیز تفسیر می‌کند که همسر آدم ﷺ از نوع خود آدم ﷺ، انسانی مثل خود او و از همان حقیقتی است که آدم خلق شده است؛ یعنی فرد دیگری از همان حقیقت که دوتایی یک جفت را تشکیل می‌دهند و در نهایت نسل فراوانی را پدید می‌آورند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۷/۸۹).

دوم، هدف خلقت زن در قرآن

فخر رازی برای خلقت مرد هدف مستقل تعریف می‌کند، اما چنین شأنی را برای زن نمی‌پذیرد. وی برای اثبات این ادعا دو آیه «مِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»

(روم: ۲۱) و «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره: ۲۹) را مقایسه می‌کند و می‌گوید: «همانند حیوانات و گیاهان که برای منافع غیر خود خلق شده‌اند زنان هم برای خدمت به مرد آفریده شده‌اند». فخر رازی حتی وقتی مخاطب تکالیف الهی بودن زنان را خلاف دیدگاهش می‌یابد آن را نیز توجیه می‌کند که تکلیف زن، متوجه خود او نیست، بلکه آن هم به سبب مرد و برای اتمام نعمت بر مرد است. از نظر فخر رازی، زنان خلقت کم‌مایه‌ای دارند و به همین دلیل برخی از تکالیف سخت از آنها ساقط شده است. وی به این سؤال هم که اگر زن اهلیت تکلیف ندارد چرا خداوند همانند کودکان با او رفتار نکرده و همچنان برخی تکالیف را برای او معین کرده است؟ پاسخ می‌دهد و می‌گوید برای اینکه از عذاب خداوند ترسیده از همسر خود فرمان برده و از حرام پرهیز کنند، چون در غیر این صورت فساد روی می‌داد. (رازی، ۱۴۲۰ ه. ق، ۹۱/۲۵)

آیت‌الله جوادی آملی با تمسک به حکمت خداوند، تفاوت در هدف آفرینش زن و مرد را نمی‌پذیرد و آیه «مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» (روم: ۲۱) را به نفع مرد تفسیر نمی‌کند، بلکه معتقد است آیه در مقام بیان ارکان زوجیت فطری در اسلام است. بدین ترتیب که مهمترین رکن خانواده، آرامش روحی و جنسی همسران است و خداوند در این آیه از احساس شوق، لذت و دوست‌داشتن زن و شوهر تعبیری می‌کند که هر کدام با رسیدن به یکدیگر آن را می‌یابند، انسانیت آنها در کنار هم کامل می‌شود، انسان‌هایی مثل خودشان را به وجود می‌آورند، تشویش‌های بزرگ قلبی و عقلی آنها از بین می‌رود، دل‌هایشان از اضطراب رها می‌شود، با قصد احسان به یکدیگر کمک می‌کنند، پاکدامن بمانند و با بسنده کردن به یکدیگر از انگیزه‌های جنسی نامشروع که به قصد لذت جویی انجام می‌شود، منصرف شده و در مسیر بقای نسل و حفظ نوع بشر به سالم‌ترین و حکیمانه‌ترین وجه گام برمی‌دارند. ایشان در تفسیر «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» نیز زن و مرد را دو انسان مکمل و آرامش‌بخش یکدیگر توصیف می‌کند که تنها تفاوتشان در مسئولیت‌های آنهاست. در مقابل تهیه مسکن که برعهده مرد گذاشته شده، وظیفه سکونت هم بر عهده زن است؛ زیرا عنصر اصلی سکونت و آرامش، عاطفه، محبت و مهر زن است که فضیلت اخلاقی ممتازی برای اوست. ایشان با اشاره به فراز «جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» منشأ‌گرایش مرد به زن را نتیجه مودت و رحمتی می‌داند که خداوند بین آنها قرار داده است، اما این مودت و

رحمت خدایی، گرایش غریزی نر و مادگی نیست؛ زیرا قرآن کریم گرایش شهوانی حیوانات را آیه الهی نام نگذاشته و بر آن اصراری نکرده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۳۴/۱۷) بنابراین، در این تدبیر الهی هرکدام از مرد و زن جایگاه خود را دارند و زن وسیله تمتع مرد نیست.

سوم) ایمان زن در قرآن

فخر رازی در تداوم پایین آوردن منزلت زن با استناد به آیه «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ» (بقره: ۲۲۲ و ۲۲۳) زن را به نقص ایمان متهم می‌کند. از نظر فخر رازی، ترک عبادات زنان در ایام حیض و عدم انجام برخی فرایض دینی موجب نقصان ایمان زنان می‌شود. وی برای ادعای خود به گفتار عطاء، قتاده و سدی استشهد می‌کند که گفته‌اند: «أَذًى در لغت به هر چیز مورد اکراه اطلاق می‌شود و «قُلْ هُوَ أَذًى» هرگونه قدر و ناپاکی را شامل می‌شود». (رازی، ۱۴۲۰ ه.ق، ۴/۴۱۵) آیت الله جوادی آملی این آیه را فقط درصدد بیان حدود رابطه جنسی و پاسخ به سؤالات مسلمانان می‌داند که به دلیل اختلافات بین اهل کتاب و رفتار متفاوت آنها در قبال زنان حائض پیش آمده بود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۶۰/۱۷). ایشان در پاسخ کسانی که مدعی هستند زنان به دلیل نقصان عبادت در ایام حیض در دینشان نقص دارند، از دو بیان روایی و قرآنی استفاده می‌کند. همچنین با رد کم بودن مجموع ساعات عبادت زنان به روایاتی استناد می‌کند که به زن حائض توصیه می‌کنند در اوقات نماز وضو گرفته و به اندازه وقت نماز در مصلاهی خود و روبه قبله نشسته و با ذکر گفتن، ثواب نماز را ببرد. جبران افطار زن حائض در روزه هم با انجام قضای آن محقق می‌شود. افزون بر این، زنان چند سال زودتر از مردان مکلف می‌شوند و براساس فتوای مشهور، خداوند به طور تقریبی، شش سال قبل از مکلف شدن مرد، زن را به حضور می‌پذیرد. بنابراین، زنان نه تنها نقصان ایمان ندارند، بلکه برای دریافت فضیلت‌های الهی شایسته‌تر از مردان هستند. ایشان با استناد به آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ انْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ» (نحل: ۹۷) شخصیت انسانی زنان را هم‌ردیف مردان می‌داند و می‌گوید که قرب الهی و ارزشمندی انسان نزد پروردگار از معیارهای اصیل تبعیت می‌کند و جنسیت فرد، تعیین‌کننده دین‌داری او نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۳).

چهارم) عقل زن در قرآن

فخر رازی با اشاره به آیه «أَوْ مِنْ يُنَسِّئُوا فِي الْحِلَّةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ» (زخرف: ۱۸) مدعی است که عبارت مذکور ناظر به نقصان عقل زن است؛ یعنی کسی که در زیورآلات رشد می‌کند ذات ناقصی دارد؛ زیرا اگر در ذات وی نقصانی نبود نیاز نداشت خود را با وسایل آرایشی بیاراید. وی عبارت «وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ» را نیز دلیل دیگری بر نقصان عقل زن می‌داند؛ بدین معنی که او در جدل، مخاصمه و قدرت ناتوان است و این به دلیل ضعف زبان، کاستی عقل و سستی طبع اوست. وی در پایان می‌گوید: «آیه دلالت دارد به اینکه آرایش برای زنان مباح است، ولی برای مردان حرام است؛ زیرا خداوند آن را از معایب و موجبات نقصان قرار داده است و پرداختن مردان به آرایش، خود را در خواری انداختن و حرام است» (رازی، ۱۴۲۰ ه. ق، ۲۷/۶۲۴). آیت الله جوادی آملی در این مورد نظری مغایر دارد؛ ایشان معتقد است که غرض آیه این نیست که زن «عندالله» ناقص است، بلکه آیه هشدار می‌دهد که زن «عندکم» ناقص است: «شما که زن را ناقص می‌دانید برای خودتان پسر قبول کردید و برای خدا دختر درحالی که اگر زن «عندالله» ناقص بود دیگر نمی‌فرمود: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً». براساس این آیه، معیار فضیلت، مرد یا زن بودن نیست، بلکه ایمان، تقوی و عمل صالح است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۴۷/۵۱۸).

۲-۱-۲. حقوق خانوادگی زن در قرآن از منظر فخر رازی و آیت الله جوادی آملی

فخر رازی کامل شدن زوجیت را مشروط به رعایت حقوق هریک از زوجین توسط دیگری می‌داند، اما رابطه زناشویی را طوری ترسیم می‌کند که شوهر امیر و راعی باشد و زن هم خود را فرمان بردار مرد بداند. وی به تناسب دیدگاهش در تفسیر آیات دال بر احکام و حقوق زناشویی، وجوه متعددی از برتری مردان را برجسته می‌کند. آیت الله جوادی برخلاف اندیشه فخر رازی و دیگر مفسرانی که جنس زن را همانند یک شیء می‌پندارند و او را مانند اسیری عاجز در دست مرد میدانند و تکالیف او را نیز در راستای خدمت به مرد توجیه می‌کنند (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰) معتقد است که مرد در حقوق زناشویی رجحانی بر زن ندارد و سعی می‌کند برخی عبارات دینی که برتری مرد را تداعی می‌کند در راستای حفظ منزلت و جایگاه زن تأویل کند.

اول، آزادی مردان در استمتاع از زنان

فخر رازی آیه «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» (نساء: ۲۴) که به یکی از حدود زندگی

زناشویی اشاره دارد را طوری تفسیر می‌کند که در نهایت، برتری مرد تداعی شود. وی برای «احسان» معنی لغوی ممانعت را برمی‌گزیند و محصنات را زنانی می‌داند که شوهر دارند؛ زیرا شوهر مانند مانعی جلوی ارتکاب زناى زن را می‌گیرد. ایشان در تفسیر «إِلا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» یکی دیگر از برتری‌های مردان را یادآور می‌شود که با پرداخت مهریه کنیزان به مولای آنها می‌توانند آنها را به نکاح خود درآورند. (رازی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۳۳/۱۰)

آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیه ۲۴ سوره نساء، بدون اینکه زنان را به لغزش و بی‌بندوباری متهم کند ابتدا حدود ازدواج‌های ممنوع را بیان می‌کند، سپس با استناد به عبارت «إِلا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» مصداق آیه را اول، به کنیزانی تطبیق می‌دهد که با رضایت مولی در دست سایر مؤمنین هستند و مولا قصد دارد کنیزش را شوهر بدهد که این کنیز جزو مصادیق محصنات است و اجازه ازدواج هم دارد. دوم، به زنان غیرمسلمان شوهردار تطبیق می‌دهد که در جنگ‌ها به اسارت مسلمانان درآمده‌اند و با بیان فروضی که موجب متضرر شدن این زنان می‌شود راهکار صحیح را این‌گونه می‌داند که رابطه آنها با شوهران سابقشان قطع شود و از نو ازدواج دیگری کنند که مقتضای زمان و در راستای سلامت جامعه و مراعات حقوق زنان و کنیزانی است که به دست مسلمانان اسیر می‌شدند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۴۳۹/۱۸)

دوم، عدالت در تعدد زوجات

یکی از آیات مرتبط با حقوق زنان در امور خانوادگی که مفسران برداشت‌های متعددی از آن داشته‌اند آیه «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» (نساء: ۳ و ۴) است که رعایت عدالت را شرط جواز تعدد زوجات می‌داند. فخر رازی معتقد است چون تبعیض بین همسران از امیال قلبی است و امیال قلبی از توان انسان خارج است تکلیف به آن تکلیف به مالا یطاق است. براین اساس، خداوند از تبعیض بین زوجات در میل قلبی نهی نکرده است، اما مرد باید از گفتار و کردار تبعیض‌آمیز اجتناب کند. فخر رازی برای تقویت دیدگاهش استدلال می‌کند که «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ» جمله شرطیه و «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» جزای شرط است. سپس در تحلیل رابطه شرط و جزاء، روایت عکرمه را نزدیک به صحت می‌داند. در این روایت، مردی چند همسر داشت و تعدادی یتیم را سرپرستی میکرد. آن مرد پس

از انفاق تمام اموالش به همسرانش، اموال یتیمان را خرج زندگی خود می‌کرد. خداوند با فرمایش «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى» نسبت به تعدد زوجات و تکرار ازدواجی که موجب شود سرپرست یتیم در جبران هزینه‌های زندگی‌اش دچار مشکل شده و به اموال یتیمان دست‌درازی کند، هشدار داد (رازی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۹/۴۸۵). براساس چنین تفسیر و تحلیلی از شأن نزول آیه، خداوند در این آیه هیچ دستوری به رعایت عدالت بین زوجات صادر نکرده است. آیت‌الله جوادی آملی تصریح می‌کند که آیات فوق (ر.ک.، نساء: ۳ و ۴) در نگاه سطحی مشوق تعدد زوجات است، اما مفهومش این است که «اگر می‌ترسید در صورت ازدواج با دختران یتیم نتوانید عدالت را در حقشان مراعات کنید با زنانی غیر از آنها ازدواج کنید». سپس با نقل روایتی از ابن جریر هشدار می‌دهد که همانند ترس رعایت نکردن عدالت در اموال یتیمان از بی‌عدالتی در حق زنان هم بترسید و با تعدادی از آنها ازدواج کنید که مطمئن باشید درباره آنها به عدالت رفتار می‌کنید (طبری، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۶/۳۴۴). آیت‌الله جوادی ذیل این آیه می‌فرماید: «اگر مرد از توانایی خودش در رعایت عدالت اطمینان ندارد باید به یک زوجه بسنده کند، حتی اگر از ادای حقوق یک زوجه هم بر نمی‌آید به آنچه در ملک یمین دارد، اکتفا کند تا ظلمی بر زنان مرتکب نشود» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۷/۳۳۹). ایشان با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی تصریح می‌کند که تعدد زوجات زمانی به دلیل نیازمندی برخی افراد و مصلحت امت مباح شده است. مصالحی مانند نازایی برخی از زنان، تفاوت مزاج و سرد و گرمی برخی از زنان و مردان، کشته شدن مردان در کشورهای جنگ‌زده و افزایش تعداد زنان و در نتیجه سلب فرصت ازدواج از جمعی از آنها زمینه این اباحه را فراهم کرده بود. همچنین فوایدی مانند تقویت پیوندهای نسبی و سببی، افزایش عصبيت مردم و قبایل، تقویت روحیه آنها برای دفاع از اسلام و ترویج آن بر تعدد زوجات مترتب بود که مختص صدر اسلام بود. برخورداری مردم از ایمان‌های قوی نیز مفسد مترتب بر آن را کاهش می‌داد و در نتیجه دین اسلام آن را مشروع و مباح اعلام کرد، اما اصل مطلوب در اسلام همچنان تک‌همسری است و تعدد زوجات فقط امری مباح و رخصت مشروط به رعایت عدالت است. بنابراین، اگر مصالح عوض شود و جای خود را به تهدیدات و مفسد بدهد، همانند امروز که ممکن است اشاعه تعدد زوجات، خانواده‌ها را دچار مفسده، بی‌نظمی، تزلزل و بی‌قانونی کند و فساد را به سطح جامعه سرایت و رشد

امت را در مسیر نادرستی قرار دهد، ولی امر مؤمنین اختیار دارد مفسد آن را در نظر گرفته و با اینکه امر مباحی است، منع کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۷/۳۴۴) آیت‌الله جوادی آملی ذیل آیه ارث هم به عدم اختصاص سهم زیاد برای زوجات متعدد اشاره کرده است و می‌فرماید: «حکمت این تقسیم، ارشادی است از جانب خداوند مبنی بر اینکه اصل در زوجیت تک‌همسری است؛ زیرا اگر تعدد زوجات از اهداف شریعت بود سهم چند همسر را بیش از سهم یک زن تعیین می‌کرد» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۷/۴۲۱).

سوم) کنترل نشوز مرد و زن

نشوز، عدم تمکین و نافرمانی در انجام وظایف زناشویی است که به صورت ابراز خشونت در کردار و گفتار بین زن و شوهر پدید می‌آید. نشوز زن شامل سخت‌گیری، فشار بر مرد، عصیان و امتناع از اطاعت او (فیومی، ۱۳۹۶) و نشوز مرد شامل جفا کردن به زن و زدن اوست. (ابن فارس، ۱۹۷۹، ۵/۴۳۰) قرآن کریم در آیه «وَاللَّاتِي خَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» (نساء: ۳۴) نشوز زنان و در آیه «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ» (نساء: ۱۲۸) نشوز مردان را مورد توجه قرار داده و راه کنترل آن را بیان کرده است. اولین راهکار قرآنی برای کنترل نشوز زنان موعظه است که فخر رازی آن را نیز حمل بر تحقیر می‌کند. وی از قول شافعی می‌گوید: «موعظه کردن زن مرحله‌ای از اجرای حد بر اوست و با وجود موعظه، نیازی به زدن او نیست». وی در عبارت «وَاصْرَبُوهُنَّ» تصریح می‌کند بهتر است از زدن زن پرهیز شود، اما اگر به هر دلیلی زدن او لازم باشد باید او را به شکلی زد که هلاک نشود. همچنین موقع کتک زدن زن شایسته است به جاهای مختلف بدن او ضربه زده شود نه یکجا و پی‌درپی و به صورت او هم ضربه زده نشود چون صورت محل زیبایی اوست. دیگر اینکه تعداد ضربه‌ها باید به چهل ضربه یا در قول دیگر بیست ضربه نرسد؛ زیرا آن مقدار، حد کامل در حق برده است (رازی، ۱۴۲۰، ۱۱/۷۲).

فخر رازی که در نشوز زن چنین قاطعانه اجازه زدن می‌دهد، در نشوز مرد نظر دیگری دارد و با استناد به آیه ۱۲۸ سوره نساء زوجین را به مصالحه دعوت کرده و توصیه می‌کند زن روی همه یا بخشی از سه حق نفقه، مهریه و قسم که بر شوهرش دارد، مصالحه کند و

شوهرش را از نشوز بازدارد؛ یعنی با بخشیدن مهریه، گذشتن از حق قسم یا اسقاط نفقه از مرد بخواهد که او را طلاق ندهد. وی سپس در ذیل فراز «وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ» با این بیان که منظور آیه این است که به طور معمول، زن بخل ورزیده و چیزی از این حقوق را به مرد نمی‌بخشد یا مرد بخل ورزیده و عمر خود را با زنی کاهل و نازیبا سپری می‌کند بدون اینکه لذتی به دست آورد (ر.ک...، رازی، ۱۴۲۰ ه.ق، ۱۱/۲۳۵) باز هم رویه تحقیر زن را تداوم می‌بخشد.

آیت‌الله جوادی با تأکید بر اهمیت حقوق متقابل در زندگی زناشویی به دلیل اینکه پیوند زناشویی را از مقدس‌ترین رابطه‌ها و سزاوارترین آنها به نگهداری می‌داند، در همه حال زن و شوهر را به صلح و گذشت بیشتر در زندگی سوق می‌دهد. گذشت‌های حقوقی مانند گذشت از حق قسم، مضاجعه، نفقه، لباس، مسکن و مانند آن و گذشت‌های اخلاقی مثل گذشت از بی‌مهری، اعراض، سکوت شوهر و... که همه برای محافظت از شیرازه خانواده است. ایشان با استناد به آیه ۱۲۸ سوره نساء می‌فرماید: «اگر مشخص شود ریشه بدرفتاری مرد برخی مسائل بیرونی مثل گرفتاری‌ها و مشغله‌های دینی یا دنیایی اوست، شایسته است زن عذر مرد را بپذیرد و صبر کند و به او مهلت دهد، اما اگر علت بدرفتاری او کراهت قلبی و عدم تمایل به همسرش باشد، بهتر است مصالحه و آشتی کنند و زن با مرد تفاهم کرده از برخی حقوقش بگذرد تا زندگی‌شان به طلاق منتهی نشود. بدین ترتیب که زن بخشی از مهریه خود یا تمام آن را به شوهرش ببخشد یا مردی که دو همسر دارد، ولی به دلیل کراهت یا ناتوانی در پرداخت نفقه قصد دارد یکی از همسرانش را طلاق دهد زن از یکی از حقوق خود مثل حق میت یا نفقه بگذرد و مانع طلاق شود». ایشان نیز همانند فخر رازی در تفسیر «وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ» بخل و حرص را مانع صلح میان زوجین می‌داند، اما آن را فقط به بخل زنان حمل نمی‌کند، بلکه معتقد است بخل متعلق به هر دو جنس است و همان‌طور که زنان بر حقوق خود مانند مهریه، قسم و نفقه بخیل هستند مردان هم بر دارایی‌های خود بخیل هستند و زشت‌ترین بخل‌ها، بخل ورزی زن و شوهر برای کسب رضایت و خشنودی یکدیگر است. پس لازم است هر دو توجه کنند که این ضعف نفس را درمان و مهار کنند تا به زندگی آنها آسیب نرساند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۴۴۵/۵)

۲-۱-۳. حقوق اجتماعی زن در قرآن از منظر فخر رازی و آیت‌الله جوادی آملی

تفاوت زنان و مردان در برخی امتیازها و محدودیت‌های اجتماعی یکی دیگر از موضوعات

مورد توجه و اختلاف مفسران به‌ویژه فخر رازی و آیت‌الله جوادی آملی است که در چندین محور و ذیل آیات متعددی از قرآن بررسی شده است.

اول، ریاست و برتری مطلق مرد بر زن

فخر رازی با استناد به آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء: ۳۴ و ۳۵) مدعی است خداوند مرد را امیر زن و حکمش را بر او نافذ قرار داده است. همچنین مرد به دلیل تسلط و بالادستی، اختیار تأدیب زن را دارد. ایشان برای این ادعا به دو دلیل «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» و «بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» استناد می‌کند. فخر رازی در تبیین فراز اول، برخی از دلایل برتری مورد ادعای خود را به صفات حقیقی مردان برمی‌گرداند و برخی را برتری‌هایی می‌داند که شرع برای مردان در نظر گرفته است. در صفات حقیقی بر علم، قدرت و عقل مردان تأکید می‌کند که موجب شده است مردان در امور عقلی، تصمیم‌گیری، توانمندی فیزیکی، تیراندازی، اسب‌سواری و نویسندگی بر زنان ترجیح داده شوند و بیشتر دانشمندان و همه پیامبران از بین مردان برخیزند. برتری‌های شرعی را هم از ترجیح مرد در امامت، جهاد، اذان، خطبه، اعتکاف، شهادت در حدود و قصاص، سهم ارث، تعصیب در میراث، تحمل دیه در قتل غیر عمد، قسامه اولیای دم، ولایت در ازدواج دختران، حق طلاق و رجوع، تعدد زوجات و شناخته شدن نسب توسط مردان استنباط می‌کند. (رازی، ۱۴۲۰ ه.ق، ۷/۱۰) ایشان در تفسیر عبارت «وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» نیز که آن را دومین سبب بالادستی مردان می‌داند به پرداخت‌های مالی مرد برای زن همانند مهریه و نفقه اشاره می‌کند و ذیل عبارت «وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهَا دَرَجَةٌ» (بقره: ۲۲۸) ادعای خود را تقویت کرده و به برتری مردان بر زنان در اموری مانند عقل، دیه، میراث، صلاحیت امامت، قضاوت، شهادت و... تصریح می‌کند (رازی، ۱۴۲۰ ه.ق، ۶/۴۳۵).

آیت‌الله جوادی آملی در گام اول، مدلول «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» را محدود و دایره شمول آن را از صنف وسیع زن و مرد در جامعه به محدوده زن و شوهری و خانواده کم می‌کند، سپس قوامیت مورد نظر آیه را به تقسیم کار و سپردن مسئولیت اجرایی به مرد محدود می‌کند که همانند سایر مدیریت‌ها هیچ‌گونه فخر معنوی محسوب نمی‌شود. ایشان معتقد است زن و مرد در حقوق اجتماعی برابرند و هر جا که برتری مرد تداعی می‌شود

مسئولیت بیشتری متوجه اوست نه حقوق بیشتر. ایشان قوامیت را نه نشانه تقرب به خدا، بلکه وظیفه مرد و در راستای مسئولیت‌های او می‌داند که فضیلت به‌شمار نمی‌رود. (جوادی آملی، ۱۳۸۳) ایشان سپس در قوامیت، به عبارت «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» استناد می‌کند که چون مرد مسئول تأمین هزینه زندگی است سرپرستی خانواده هم با اوست و این سرپرستی فقط یک وظیفه است؛ زیرا روح قیمومیت و قوام بودن، وظیفه‌مندی است، پس قرآن کریم زن را در فرمان مرد قرار نداده، بلکه او را به سرپرستی زن و منزل مکلف کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۳۱۱/۹).

آیت‌الله جوادی آملی انتساب درجه به مردان در عبارت «وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» (بقره: ۲۲۸) را نیز به قابلیت‌ها و توانمندی‌های مردانه برای مدیریت خانواده حمل می‌کند و معتقد است ملاک ترجیح مرد و شایستگی او برای مدیریت خانواده، فقط مرد بودن اوست نه شوهر بودن او؛ زیرا دین اسلام با توجه به خصوصیت‌های مردانه، شرایط جسمانی و تفاوت‌های بدنی و روانی زن و مرد، قوامیت را به مرد سپرده است. بنابراین، حکم خداوند برای تقسیم مسئولیت‌های اجرایی جامعه با در نظر گرفتن قابلیت‌های هر یک از زن و مرد صادر شده است و چنین حکمی نشانگر کمال ذاتی مرد و نقص ذاتی زن نیست؛ زیرا تنها معیار برتری افراد، تقوا و پرهیزکاری است و هرکس که در مسئولیت خود متعهد باشد به آن مقام می‌رسد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۶۳/۱۱)

دوم) اعتبار شهادت زن

یکی دیگر از دلایل فخر رازی برای بیان نقص ذاتی زن مقایسه اعتبار شهادت او با مرد در محاکم است. وی در تفسیر آیه «وَأَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا» (بقره: ۲۸۲) می‌گوید: «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا» و علت معادل بودن شهادت دو زن با شهادت یک مرد را بیان می‌کند که نقص ذاتی زن است و آن نقیصه، غلبه نسیان و فراموشی بر طبیعت زنان به دلیل رطوبت و سردی مزاج آنهاست. فخر رازی معتقد است خداوند در این آیه مرد را بر زن برتری داده است تا روشن شود قرار گرفتن دو زن در جایگاه یک مرد در موضوع، عدل (هم‌وزنی) است و این فقط با اضلال یکی از دو زن رخ می‌دهد. ضلال هم به معنای فراموشی یا گمراهی از هدایت است. (رازی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۷/۹۵)

آیت‌الله جوادی آملی معتقد است که شهادت، امری مستند به حس و مشاهده است و هم‌وزنی شهادت دو زن با یک مرد به دلیل محدودیت‌هایی است که برای حضور و مشاهده زنان وجود دارد. آیت‌الله جوادی نظر کسانی که «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا» را به کمبود عقل و دین یا رطوبت و سردی مزاج زنان تفسیر کرده‌اند، مردود می‌داند و تصریح می‌کند که اشتغال به معاملات مالی و امثال آن از شأن زن نیست. به همین دلیل طبیعی است که حافظه زن در این موارد ضعیف باشد، ولی در اموری مانند خانه‌داری که به آن اشتغال بیشتری دارد حافظه‌اش از مردان هم نیرومندتر است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۲/۶۴۸)

۲-۱-۴. حقوق مالی زن در قرآن از منظر فخر رازی و آیت‌الله جوادی آملی

اول، تفاوت ارث دختر و پسر

آیه «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» (نساء: ۱۱) بر کم بودن سهم الارث زنان نسبت به مردان در شرایط مساوی دلالت می‌کند. با اینکه آیه در مقام بیان یک حکم مالی است، اما فخر رازی از تمام عبارات آن برای تحقیر زنان بهره می‌برد. وی از ترکیب ظاهری عبارت «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» شروع کرده و درباره مقدم بودن مردان بر زنان سؤال می‌کند. ایشان سپس به سؤال خود به چند وجه پاسخ می‌دهد که تحقیر زنان را در پی داشته باشد: وجه اول اینکه مقدم کردن مرد بر زن به دلیل برتری اوست همان‌طور که سهم او هم دو برابر سهم زن است. وجه دوم، برای اینکه آیه به دلالت مطابقی بر افضلیت مرد دلالت کند و به دلالت التزامی بر نقص زن؛ زیرا اگر «أُنْثَى» را مقدم بر «الذَّكَر» می‌کرد به طریق مطابقت، بر نقص زن دلالت می‌کرد و به طریق التزام، بر فضل مرد، درحالی‌که خداوند نشان دادن فضایل و برتری‌ها را بر نشان دادن رذایل و نقایص ترجیح می‌دهد. به همین دلیل، شیوه اول را انتخاب کرد. همان‌گونه که در آیه «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» (اسراء: ۱۷) احسان را اول و مکرر گفته است، ولی اسائه را مؤخر و یک بار گفته است. وجه سوم نیز این است که در عهد جاهلیت فقط مردان ارث می‌بردند و زنان سهم نداشتند. آیه ارث بدین شکل نازل شد و تصریح کرد که برای مردان همین‌که سهمشان دو برابر بهره زنان باشد، کافی است و شایسته نیست زنان را به طور کامل از میراث محروم کنند. (رازی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۹/۵۱۱)

فخر رازی در ادامه می‌پرسد: «خداوند با چه حکمتی سهم زن را نصف مرد قرار داده است

درحالی‌که با توجه به عجز زن، شایسته بود نصیبش از میراث بیشتر یا برابر باشد؟». سپس در پاسخ به سؤال خود پاسخ‌های ذیل را می‌دهد که باز هم در تضاد با جایگاه و حرمت زن است:

- مرد بیشتر در بیرون منزل است، ولی زن در خانه می‌ماند و هزینه‌اش را هم شوهرش می‌دهد. طبیعی است که هرکس بیشتر از خانه خارج شود به مال بیشتری نیاز دارد؛
- مرد از نظر خلقت و عقل و عهده‌داری برخی مناصب دینی مانند شایستگی امامت و قضاوت نسبت به زن کمالات بیشتری دارد و هرکس این ویژگی‌ها را داشته باشد باید به او انعام و بخشش بیشتری شود؛

- زن عقل کم و شهوت بسیار دارد و ممکن است اموال زیاد موجب فساد او شود؛
- مرد به دلیل برخورداری از کمال عقل و توانمندی‌های اجتماعی می‌تواند اموالش را در امور خیر صرف کند و باعث ستایش در دنیا و پاداش در آخرت شود، اما زن به دلیل حشرونشر اجتماعی محدودتر، توانایی این کارها را ندارد. (رازی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۵۱۸/۹).

وی به روایتی منسوب به امام صادق (ع) اشاره می‌کند که امام در جواب کسی که حکمت تفاوت ارث زن و مرد را پرسید، فرمود: «حوا یک مشت گندم خورد و یک مشت هم پنهان کرد و فقط یک مشت به آدم داد. خداوند بدین دلیل که حوا سهم خود را دو برابر سهم مرد در نظر گرفت امر را تغییر داد و نصیب ارث زن را نصف سهم ارث مرد قرار داد». فخر رازی درنهایت می‌گوید: «اینکه خداوند در همین آیه مردان را هفت بار خطاب قرار داده است، ولی زنان را فقط چندبار با ضمیر غایب نام برده است، دلیل دیگری است بر اینکه خداوند خواسته است با این نکته دقیق، برتری مردان بر زنان را یادآوری کند». (رازی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۵۲۰/۹)

برخلاف فخر رازی که کم بودن ارث زن را به نقص کمالات زن ربط می‌دهد آیت‌الله جوادی ابتدا هرگونه رابطه بین کمال انسانی و فراوانی مال را نفی می‌کند، سپس با اشاره به بهره‌مندی زنان از اموال، زمینه شبهه تبعیض مالی و کم بهره بودن زن را نیز برطرف می‌کند. از نظر آیت‌الله جوادی ابزار اقتصادی گاهی مستقیم و گاهی غیرمستقیم در اختیار شخص قرار می‌گیرند. زنان جزو دسته دوم هستند و بدون آنکه در قبال اموال مسؤولیت مستقیم داشته باشند از منافع ثروت به صورت مهریه و نفقه برخوردار می‌شوند. (جوادی آملی، ۱۳۸۳)
آیت‌الله جوادی آملی در ترکیب ظاهری عبارت «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِیِّ» در آیه، نیز معتقد

است که در آیه ۱۱ سوره نساء ارث زن اصل است و ارث مرد معمولی بر آن قرار داده شده است به گونه ای که ارث مرد با اضافه شدن به ارث زن شناخته می شود؛ زیرا اگر می گفت: «لِلأُنْثَى نَصْفُ حَظِّ الذَّكَرِ» این معنی را نمی رساند و با سیاق بعد از آن نمی ساخت. ایشان در راستای نفی توجیهات ضد زن در بیان حکمت تقسیم ارث نیز می گوید: «اینکه زن به سبب نقص عقل و غلبه هوا و هوس ممکن است سهم خود را در امور منکر و ناپسند هزینه کند، گفته بسیار زشتی است؛ زیرا لازمه ضعف عقل کسی، نه تنها کم شدن بهره ارث او نیست، بلکه چه بسا اقتضای زیادت سهم او را هم داشته باشد. به همین دلیل، برخی از گذشتگان گفته اند میراث، خلاف قیاس معقول آمده است. ادعای کسانی هم که می پندارند زن اگر ثروت بیشتری داشته باشد در امور منکر و برای ارضای شهوت هزینه می کند، باطلی است که بر پایه باطلی دیگر بنا شده؛ زیرا تجربه نشان داده است مردان بیش از زنان اموالشان را خرج شهوات می کنند. همچنین تجربه ثابت کرده که اگر امر نفقه به زنان موکول شود، بسیاری از آنها میانه روی را ترجیح می دهند» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۴۰۶/۱۷).

دوم) پرداخت مهریه

یکی دیگر از حقوق مالی که مستمسک پیش داوری درباره زنان و محل اختلاف نظر فخر رازی و آیت الله جوادی شده، لزوم پرداخت مهریه به زنان است. فخر رازی با استناد به آیه «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا» (نساء: ۴) معتقد است که مهریه حق زن و کامل کننده نکاح است و زن می تواند مهریه اش را بگیرد یا به شوهرش ببخشد (رازی، ۱۴۲۰ هـ.ق. ۴۹۲/۹). اگرچه فخر رازی با پذیرش حق مهریه، نگرش مساعدی به زن نشان می دهد، ولی در تفسیر آیه «لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً» (بقره: ۲۳۶) اظهارات زن ستیزانه ای در این مورد دارد که با رویکرد کلی وی در تحقیر زن سازگارتر است. فخر رازی از «لا جناح» به «لامهر علیکم» تعبیر کرده است و عقد نکاح بدون مهریه را هم جایز می داند. وی با استناد به فراز «مَا لَكُمْ تَمَسُّوهُنَّ» در آیه می گوید: «اگر زنی قبل از لمس یا تعیین مهریه طلاق داده شود پرداخت مهریه برای او واجب نیست» (رازی، ۱۴۲۰ هـ.ق. ۴۷۳/۶). سپس در تفسیر آیه «وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (بقره: ۲۳۷) که از آیات الاحکام مرتبط با مهریه است می گوید: «با اینکه در آخر آیه هر دو نفر (زن و شوهر) به عفو

و بخشش سفارش شده‌اند، اما اینکه دستور عفو با صیغه مذکر بیان شده است به دلیل قاعده تغلیب است و تغلیب مردان بر زنان در خطابات قرآنی به دلیل اصل بودن ذکورت و فرع بودن تأنیث در لفظ و معنی است» (رازی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۶/۴۸۱).

اگرچه بیان ایشان ناظر به یک قاعده ادبی در زبان عربی است، اما ارتباط دادن آن به کمال مرد و نقصان زن ریشه در نگرش منفی فخر رازی نسبت به زن دارد. ایشان ذیل آیه «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» (نساء: ۲۴) نیز لازم می‌داند مهریه کنیز به مولایش پرداخته شود؛ زیرا از نظر فخر رازی مهریه کنیزان بهای بضع آنهاست. همچنین براساس حدیث نبوی «عبد و هر آن چیزی که در دست دارد ملک مولای اوست» (رازی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۱۰/۲۸)، مهریه را بهای بضع زنان دانستن از مطالب مورد تأکید فخر رازی است که نگرش منفی ایشان به زنان را تداعی می‌کند.

تمایز مهم دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی با فخر رازی در این موضوع این است که ایشان معتقد است پیوند زناشویی برتر از ارتباطی است که انسان با دارایی‌ها و املاک خودش دارد و مهریه عطیه‌ای الهی است که خداوند متعال واجب کرده است تا مردان به همسرانشان بپردازند. بنابراین، آیت‌الله جوادی در اصل اینکه مهریه حق زن است موافق فخر رازی است و آن را نشان صداقت و وفاداری مرد می‌داند، اما برخلاف فخر رازی که می‌گوید زن اختیار دارد مهریه‌اش را بگیرد یا ببخشد، تعبیر لطیفی دارد. آیت‌الله جوادی آملی معتقد است که مخاطب «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ» شوهران هستند، اما آن را متوجه همه مسلمانان هم می‌داند؛ یعنی خداوند به اولیایی که دختران را شوهر می‌دادند فرمان داد مهریه‌ای را که به نیابت از دختر می‌گرفتند به خود او بدهند. چون در زمان جاهلیت، سرپرست دختر چیزی از مهریه به دختر نمی‌داد و یا شخصی خواهر خود را به همسری مردی می‌داد و در عوض، خواهر او را به همسری می‌گرفت و به هیچ‌یک از زنان مهریه نمی‌دادند. ایشان برای مهریه نیز معنایی بالاتر از عوض بضع لحاظ می‌کند. بدین بیان که شوهر در عوض مهریه، مالک چیزی نمی‌شود و بضع زن و ناموس مرد فقط متعلق به خداست و ملک کسی نیست که قابل قیمت‌گذاری باشد. آیت‌الله جوادی این اظهارات را با معنی کردن عبارت «نِخْلَه» کامل کرده و می‌نویسد: «این بخشش واجب و حتمی که از نشانه‌های محبت و برای محکم کردن

مودت و پیوند خویشاوندی است از لطیف ترین عبارات قرآن و نشانه ادب و حیای خداوند در گفتار و نیز برای تکریم زنان و ناموس آنهاست تا کسی گمان نکند امر مقدس ازدواج شبیه معاملات است و زن در ازای مهریه، خود را در اختیار شوهر می‌گذارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۳۷۵/۱۷).

۳. بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با این پیش‌فرض که ریشه برخی نگرش‌های منفی به منزلت زن در چگونگی خوانش برخی از اندیشمندان از منابع دینی است، دیدگاه‌های تفسیری فخر رازی و آیت‌الله جوادی آملی به‌طور تطبیقی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. تأمل در موارد اختلاف این دو مفسر و ارزیابی دیدگاه‌های آنها نشان می‌دهد که منشأ نگرش تحقیرآمیز فخر رازی به زنان برخی پیش‌فرض‌هاست که علاوه بر آیت‌الله جوادی توسط اندیشمندان دیگری نیز نقد شده است. برخی از این پیش‌فرض‌ها عبارتند از:

- تحلیل تفاسیر معاصر فخر رازی نشان می‌دهد که فخر رازی در تحلیل‌هایش به روایاتی استناد می‌کند که با روح قرآن سازگار نیستند. سرچشمه باور وی به خلقت حوا از دنده چپ آدم نیز روایات اسرائیلی برگرفته از تورات است (کتاب مقدس، ۲۵۱۴، سفر پیدایش، ۲۱/۲). در سلسله حدیث مربوطه، کعب‌الاحبار و وهب بن منبه از ناقلان اسرائیلیات هستند (ابن جوزی، ۱۴۲۲ه.ق، ۳۶۶/۱). طبری هم تصریح می‌کند که حدیث مذکور از اهل کتاب به وی رسیده است (طبری، ۱۴۱۲ه.ق، ۱۵/۴). رشیدرضا نیز در تفسیر المنار، روایات خلقت زن از دنده چپ را نقد کرده و بر نفس واحده در جنس انسان تأکید می‌کند (رشیدرضا، ۱۴۱۴ه.ق، ۳۷۷/۲). این درحالی است که آیت‌الله جوادی آملی در فصلی از کتاب تفسیر تسنیم که با عنوان بحث روایتی، موارد زیادی از روایات را نقد می‌کند و هر روایتی را برای استناد برنمی‌گزیند.

- اختلاف نظر فخر رازی و آیت‌الله جوادی آملی در موضوع تعدد زوجات و لزوم عدالت بین زوجات ممکن است متأثر از مشی فقهی و کلامی آنها باشد. فخر رازی مطیع آرای شافعی است و به دلیل جمود و تقلیدگرایی حاکم بر فقه اهل سنت، مصالح اجتماعی مرتبط با تعدد زوجات را در نظر نمی‌گیرد و نیز به دلیل متأثر بودن از کلام اشاعره رعایت عدالت توسط مرد را خارج از توان او می‌داند و از او رفع تکلیف می‌کند. آیت‌الله جوادی

آملی در بستر پویایی فقه شیعه و کلام امامیه با پذیرش حکمت تعدد زوجات و پذیرش آن به صورت حکمی مباح مشروع، بر لزوم رعایت عدالت بین زوجات تأکید کرده و راهکارهایی را برای آن بیان می‌کند و با اشاره به مفاصل مترتب بر آن در عصر حاضر، پیشنهاد می‌کند که ولی جامعه در موضوع تعدد زوجات دستور تجدید نظر و تغییر حکم صادر کند.

- علاوه بر مبانی فکری آیت‌الله جوادی آملی و فخر رازی، تحولات عصر مفسران هم ارزش بررسی دارد. عصر آیت‌الله جوادی آملی، عصر شکوفایی علم، گفتگوی تمدن‌ها، توسعه ارتباطات انسانی، بیداری جهان اسلام، شکل‌گیری نهضت‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و تحولات بنیادین در جوامع اسلامی است که در جهت‌گیری تفسیر ایشان مؤثر بوده است. ایشان با در نظر گرفتن این تحولات، نقش‌های سنتی برای زن را ناکافی دانسته و تصریح می‌کند چیزهایی که زن برای نظام خانه و تربیت اولاد و امور دنیایی مثل احکام معاملات فرامی‌گیرد با تفاوت زمان، مکان و احوال تغییر می‌کند، همان‌گونه که امور لازم بر مردان برحسب شرایط زمانی و مکانی تغییر می‌کند. این ادعا با رویکرد امام خمینی رحمه‌الله هم تأیید می‌شود که با اشاره به نقش فعال زن در تعیین سرنوشت خود، او را مربی نسل‌های آینده دانسته و موجودی توانمند می‌شناسد که در روند تاریخ و عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شرکت کرده، حماسه‌های فراوانی آفریده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ۱۵/۱۰) و با خلاقیت و تعامل سازنده‌ای که با مردان داشته، رشد و ترقی جوامع انسانی و تحقق آمال بشریت را به ارمغان آورده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ۳۴/۷).

- نکته دیگر، نقد عالمان شیعه و سنی بر رویکرد فخر رازی است. علامه طباطبایی مانند آیت‌الله جوادی آملی که زن و مرد را جزئی از یک پیکر دانسته که هیچ‌کدام مالک یا خادم دیگری نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۹۵/۱۸)، تصریح می‌کند که هریک از زوجین فی‌نفسه ناقص و محتاج طرف دیگر است و هریک از آنها به دلیل همین نقص و نیاز با حرکت و رسیدن به دیگری آرام می‌شود و از مجموع آن دو واحدی کامل درست می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۶۸/۱۶). رشیدرضا هم آرامش روحی و جنسی را رکن مهم خانواده می‌داند که زوجین با پیوستن به هم به آن می‌رسند، تشویش‌ها را از قلوب یکدیگر زدوده و یکدیگر را پاکدامن و از گناه مصون می‌دارند (رشیدرضا، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۳۷۷/۲). این دیدگاه توسط شهید مطهری نیز تأیید

شده است که تصریح می‌کند قانون خلقت برای اینکه زن و مرد را به یکدیگر پیوند دهد و کانون خانوادگی را استوارتر کند زن و مرد را نیازمند یکدیگر آفریده است (مطهری، ۱۳۵۷).

علامه طباطبایی همچنین تصور برتری مردان به دلیل برخی صفات حقیقی و مناصب شرعی را به چالش می‌کشد و همسو با آیت‌الله جوادی آملی که معتقد است برتری ممدوح در نزد خداوند امری اکتسابی است نه ذاتی، ملاک برتری را در پرهیزکاری منحصر می‌کند که فقط با مجاهدت حاصل می‌شود. (فلاحی قمی و علیزاده، ۱۳۹۷) همچنین در کنار توجه به زیادت‌هایی که خدا به دلیل توانایی‌های مردان و نقش آن در زندگی مشترک به مرد عطا کرده است به ارزش عواطف و احساسات زنان که سرمایه عاطفی لازم برای زندگی مشترک محسوب می‌شود توجه بیشتری کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴/۳۴۳). تلقی نقص ذاتی زن از معادل بودن شهادت دو زن با شهادت یک مرد توسط فخر رازی علاوه بر آیت‌الله جوادی با مخالفت رشیدرضا نیز مواجه شده است. وی با تحلیلی اجتماعی، نسیان شهود را طبیعی و دلیل آن را امور عارضی مانند اشتغال اندک زنان به معاملات و برخی کارهای خلاف شأن زنان می‌داند و از نیرومندی حافظه زنان در اموری که اشتغال دارند خبر داده و در نهایت حکمت آن را دور کردن زنان از موقعیت‌های ناپسند جنایت، شکنجه و تعذیب می‌داند تا زنان از زشتی‌ها فاصله گرفته با اهل منکرات روبه‌رو نشده و واسطه شکنجه و تعذیب نشوند تا نازک دلی و رقت قلوب آنها حفظ شود (رشید رضا، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۵/۴۴۶).

حقوق پژوهان هم معتقدند اگر شهادت دو زن نشانه نقصان و بی‌اعتباری زن بود در موارد خاصی که شهادت مرد بی‌تأثیر است باید شهادت زن هم به شیوه اولی فاقد تأثیر می‌شد. همچنین با توجه به اینکه شرط قبول شهادت، عدالت است اگر زن فاقد اعتبار و شخصیت بود باید اصل شهادت او پذیرفته نمی‌شد و ضمیمه شدن زنی دیگر تأثیری نمی‌گذاشت. (اسلامی، ۱۳۸۹) با مشخص شدن تفاوت نگرش فخر رازی و آیت‌الله جوادی و برخی زمینه‌های این تفاوت‌ها، فرضیه پژوهش حاضر مبنی بر اینکه تحقیر زن دیدگاه قرآن نیست و اتهام زن‌ستیزی به اسلام ریشه در برخی خوانش‌ها از دین و آیات قرآن دارد، تأیید شد. نکته دیگر اینکه نگرش فخر رازی در منزلت زنان دیدگاه مشهور مفسران اهل سنت تلقی نمی‌شود؛ زیرا مفسران معاصر اهل سنت نیز انتقادات جدی بر نظرات ایشان دارند. نتیجه

اینکه در تفسیر آیت الله جوادی آملی و نگرش ایشان به موضوع زن و منزلت او که مورد تأیید اندیشمندان جامع نگر متعددی مانند امام خمینی رحمته الله علیه، طباطبایی، مطهری، رشیدرضا و... قرار گرفته است مقتضیات زمان و مکان و تحولات اجتماعی در نظر گرفته شده است. همچنین با توجه به تبحر و جامعیت مفسر در علوم معقول و منقول، بدون اینکه از حدود و چارچوب‌های مسلم دینی عدول شود خوانشی از منزلت زن در اسلام به جامعه ارائه شده که شایسته است در مجامع دینی و علمی معرفی شود و موضع اسلام درباره زن را در اختیار عموم مردم و دانشمندان به ویژه علاقه‌مندان به مطالعات دینی قرار دهد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۹۰). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: انتشارات نشتا.
۱. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ ه. ق.). زاد المسیر فی علم التفسیر. بیروت: دارالکتب العربی.
۲. ابن فارس، احمد (۱۳۹۹). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دارالفکر.
۳. اسلامی، محمد رضا (۱۳۸۹). آشنایی با حقوق زن در قرآن. گرگان: انتشارات فراغی.
۴. انجمن کتاب مقدس (۱۳۶۶). کتاب مقدس. مترجم: هزاره نو. ایلام: انتشارات ایلام.
۵. انصاری، محمد علی (۱۳۹۲). زن از منظر قرآن. تهران: بیان هدایت نور.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۸۲). صحیح بخاری. زاهدان: حرمین.
۷. توانا، اکرم (۱۳۹۲). بررسی آیات حقوق زن در تفاسیر مفاتیح الغیب و المنار. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران. دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). زن در آینه جلال و جمال. قم: اسراء.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تفسیر تسنیم. قم: نشر اسراء.
۱۰. حسینی، سید ابراهیم (۱۳۹۶). منزلت و حقوق زن. تهران: کانون اندیشه جوان.
۱۱. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰). حقوق زن و خانواده. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۲. الخالدی، صلاح عبدالفتاح (۱۴۲۲ ه. ق.). التفسیر الموضوعی بین النظرية والتطبيق. عمان: دارالنفائس.
۱۳. رازی، فخرالدین ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ ه. ق.). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث الاسلامی.
۱۴. رشیدرضا، محمد (۱۴۱۴ ه. ق.). تفسیر المنار. بیروت: دارالمعرفه.
۱۵. شکریگی، عالیه (۱۳۸۴). بررسی جایگاه و منزلت زن در قرآن. مجموعه مقالات همایش ضرورت گسترش مفاهیم قرآن کریم. تهران.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ ه. ق.). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
۱۸. فلاحی قمی، محمد، و علیزاده، مریم (۱۳۹۷). ملاک فضیلت و ارزشمندی زن از منظر علامه طباطبایی و فخر رازی. نشریه مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، ۱۰۶ (۱)، ۳۵-۶۳.
۱۹. فیومی، احمد بن محمد (۱۳۹۶). مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. تهران: طلیعه نور.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۵۷). نظام حقوق زن در اسلام. قم: صدرا.
۲۱. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۸). تفسیر و مفسران. مترجم: خیاط، علی. قم: تمهید.
۲۲. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۱). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۳. همایونی، علویه (۱۳۷۷). زن مظهر خلاقیت الله. قم: دفتر انتشارات اسلامی.